



## تفسیر هرمنوتیکی از نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات و رفتار اطلاعاتی کاربران در علم اطلاعات و دانش‌شناسی با تاکید بر دیدگاه فلاسفه

فائزه اسکندری<sup>۱</sup>

معصومه پاسبانی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از پژوهش حاضر، بررسی هرمنوتیکی نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات در علم اطلاعات و دانش‌شناسی به عنوان عامل موثر و کارآمد در تامین نیازهای اطلاعاتی کاربران در پژوهش‌های هر حوزه از علوم بشری با الهام از دیدگاه فلاسفه است.

**روش:** روش پژوهش مقاله‌ی حاضر، توصیفی-تحلیلی است. بدین صورت که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مبانی نظری موجود ذیل موضوع پژوهش، استخراج شده و براساس تطبیق داده‌های به‌دست آمده با نظریه خاصی که نقطه تمرکز بحث است، در نهایت به تطبیق، تحلیل و نتیجه‌گیری خواهد انجامید.

**بیان مسئله:** از آنجا که فهم و تفسیر بدست آمده از پیام، معنا یا تفسیر اطلاعات در چرخه‌ی حیات اطلاعات از نقشی مهم و ضروری برخوردار است، لذا در پژوهش حاضر با الهام از نظریه فلسفی هرمنوتیک تلاش شده تا مبتنی بر نیاز اطلاعاتی کاربران و رفتار اطلاعاتی آنها در فرآیند جستجو و بازیابی اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای و رویه‌ی نمایه‌سازی محتوا در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات، نحوه‌ی تعامل کاربر با نتایج بازیابی شده و تنوع تفاسیر آنها در بهره‌گیری از این اطلاعات در فرآیند پژوهشی مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد.

**مباحث اصلی:** در این مقاله به جهت تبیین دقیق تر و روشن تر موضوع به تعریف هرمنوتیک، بررسی سیر تاریخی این نظریه نزد اندیشمندان و فلاسفه بزرگ، بازخوانی دیدگاه هایدگر و گادامر با تاکید بر نقش تفسیر و تاویل متون، نسبت میان هرمنوتیک و علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نقش مهم هرمنوتیک در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات پرداخته شده است. در بخش ابتدایی از مقاله‌ی حاضر، وضعیت کنونی پژوهش در علم اطلاعات و دانش‌شناسی از حیث چگونگی شناسایی مسئله، حرکت به سمت پژوهش‌های کیفی با تاکید بر استفاده از روش‌های هرمنوتیکی بررسی شده است. این امر منجر به پررنگ‌تر شدن جایگاه پژوهش کیفی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی شده و کمک خواهد کرد تا پژوهشگران با دغدغه‌ی رفع نیاز اطلاعاتی کاربران و از دیدگاه آنها در رشته‌ها و گرایش‌های گوناگون دست به پژوهش بزنند تا خلاءهای فعلی در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات رفع شود. در ادامه به ارتباط دو سویه‌ی نظام‌های بازیابی اطلاعات و رفتار اطلاعاتی کاربران بر مبنای تفاسیر هرمنوتیکی اشاره شده که ملاک تامین یا عدم تامین نیاز اطلاعاتی جستجوگران بر اساس چرخه حیات داده خواهد بود. همچنین نتایج بدست آمده از این پژوهش حاکی از نقش قوی و مهم تفسیر متن در فرآیندهای پژوهشی، خصوصاً در مرحله جستجو و بازیابی اطلاعات از سوی کاربران است که از دیدگاه معرفت‌شناختی کاملاً متکی بر تحلیل عوامل دخیل در فهم متن به پیش می‌رود.

**کلید واژه‌ها:** هرمنوتیک، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات، فرآیند جستجو و بازیابی اطلاعات، هایدگر، گادامر

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، f.eskandary@modares.ac.ir  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، masoumeh.pasbani@modares.ac.ir



## مقدمه

علم، فعالیت اجتماعی است که بر مبنای اطلاعات، شکل‌گیری گفتمان‌های علمی و پیدایش انواع پارادایم‌ها در علوم، رشد و تکامل می‌یابد. تفاوت رویکردهای سنتی به علم با رویکردهای نوین در مطالعات علم علاوه بر تغییرات ماهیتی و محتوایی در علم سبب شده تا در نوع روش‌شناسی نیز رویکردهای مختلف فلسفی و علمی از مکاتب مختلف ورود پیدا کنند. به تعبیر لوجیانو فلوری (۲۰۱۵) در کتاب «اینفورمیشن» اطلاعات هزارتویی مفهومی است. از این روست که در تقابل با هر مسئله‌ای، این شیوه‌های متعدد فهم ما از اطلاعات " است که جزئیات کافی نسبت به حل آن مسئله را به ذهن متبادر می‌کند. اگر بخواهیم تعریفی عمومی از اطلاعات ارائه دهیم کافیست آن را ترکیب داده‌ها به همراه معنا تلقی کنیم. اطلاعات مفهومی انتزاعی است که به چیزی اطلاق می‌شود که قدرت اطلاع رسانی دارد. در بنیادی‌ترین سطح، اطلاعات مربوط به تفسیر چیزی است که ممکن است احساس شود. (جانسون و اندرسون، ۱۹۹۶). در مورد نسبت میان داده‌ها و اطلاعات با تاکید بر فهم بهتر سرشت داده‌ها لازم است دو رویکرد کاملاً مجزا اتخاذ شود. بر این اساس که از یک سو، داده‌های معنادار در حاملان اطلاعات مستقل از هر گونه دریافت‌کننده اطلاعات موجودیت دارند و از سوی دیگر اینکه داده‌ها نیز می‌توانند مستقل از تولیدکننده اطلاعات و بر مبنای فهم کاربران معنای خودشان را داشته باشند. هرمنوتیک به عنوان علم تفسیر و تاویل، شاخه‌ی علمی و بسیار پرکاربرد در میان همه‌ی علوم است، به گونه‌ای که به تعبیر برخی نظریه‌پردازان «همه‌ی علوم بشری نیازمند تفسیر هستند.» هرمنوتیک اصطلاحی است که از واژه‌ی یونانی «هرمنوتیکوس»<sup>۱</sup> به معنای تفسیر کردن گرفته شده است که پتانسیل انسانی را برای درک معنای زبان ارتقاء می‌دهد. (پالمر، ۱۹۶۹). اهمیت هرمنوتیک تا بدان حد است که گفته می‌شود زمانی که فرد یا افرادی در نظام گفتاری یا نوشتاری با فهم متن سروکار دارند، در حقیقت در مسیر یک کار هرمنوتیکی قرار گرفته‌اند. مارتین هایدگر فیلسوف آلمانی است که ایده‌هایش تاثیر اساسی بر توسعه فلسفه معاصر اروپا گذاشته است. نظریات وی تاثیر بسیار فراتری از فلسفه داشته و در معمار، نقد ادبی، الهیات، علوم شناختی و روان‌درمانی نیز کاربرد یافته است. (Wheeler, 2020) هایدگر ذیل مفاهیم و مسائل مهم فلسفی و هرمنوتیکی از قبیل هستی، دازاین، جهان، تحلیل وجودی، ماهیت فهم و رسالت هرمنوتیک، پدیدارشناسی و هرمنوتیک به بیان دیدگاه خود پرداخته است اما بررسی دیدگاه فلسفه‌ی هایدگر نیازمند فهم عمیق و شناخت دقیق نظریات فلسفی وی است که در این نوشتار نیز چنین قصدی وجود ندارد. وی در فصل سی و دوم از کتاب «هستی و زمان» (هایدگر، ۱۳۸۹) به بحث از «فهمیدن و تعبیر»<sup>۲</sup> پرداخته اما وی اساساً به تاویل صریح و آگاهانه نمی‌پردازد بلکه مسئله‌ی مورد نظرش نوعی تاویل عملی است که ممکن است همیشه متضمن داوربهای صریح نباشد.

<sup>۱</sup>Luciano Floridi

<sup>۲</sup>information: a very shortcut introduction

<sup>۳</sup>general definition of information

<sup>۴</sup>Johnnesson

<sup>۵</sup>Anderson

<sup>۶</sup>Hermeneutikos

<sup>۷</sup>Palmer

<sup>۸</sup>interpretation - explicitation



(ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲) تفکرات هرمنوتیکی گادامر تناسب فراوانی با آرای هایدگر دارد، با این تفاوت که گادامر علاوه بر تغییر مسیر از روش‌شناسی به هستی‌شناسی فهم، مسائلی همچون فهم متن و آثار هنری، تفسیر امور تاریخی و روش‌شناسی علوم انسانی را نیز مورد توجه و بررسی قرار داد (اسفندیاری و غلامی، ۱۳۹۴). گادامر یکی از متفکران برجسته در علم هرمنوتیک است که برخلاف روال رایج در میان فلاسفه به دنبال تعیین روش یا روش تفسیر برای بیان قواعد فهم متن نیست بلکه دغدغه‌ی وی کشف اوصاف مشترک در تمام فهم‌هاست. او بر افق معنایی مفسر یا متن به منظور دستیابی به فهم درست و اصولی تاکید می‌کند و اشاره دارد که پیش‌داوری‌های هر مفسر این افق معنایی را بازسازی و تکمیل می‌کند. آنچه در مورد هرمنوتیک گادامر حائز اهمیت است، تمرکز بر هستی‌شناختی و تفسیر نه تنها فهم انسانی، بلکه سوء تفاهم به عنوان مکانیزمی برای ارتباط موثر است (ریجان، ۲۰۱۲).

توجه به این قضیه که نیاز اطلاعاتی کاربران و تامین آن از طریق ارائه‌ی اطلاعات مفید در علم اطلاعات و دانش‌شناسی همواره دغدغه‌ی اصلی متخصصان این علم است، ناگزیر در بررسی آن لازم است به هرمنوتیک به عنوان روشی برای تحلیل و تفسیر متن در علوم انسانی و علوم اجتماعی مراجعه شود. نیاز اطلاعاتی یک اصطلاح رایج در علم اطلاعات است که اغلب به عنوان تمایل یک فرد یا گروه برای مکان‌یابی و به‌دست آوردن اطلاعات برای ارضای یک نیاز آگاهانه یا ناخودآگاه به کار برده می‌شود (هچورلند، ۱۹۹۷)<sup>۱</sup>. همچنین نیاز اطلاعاتی یک فرد به تعبیر ویلسون شامل سه عنصر است که عبارتند از: اینکه چرا فرد تصمیم می‌گیرد که به دنبال اطلاعات باشد، اطلاعاتی را که پیدا می‌کند چه هدفی را دنبال می‌کند، و نحوه استفاده از اطلاعات پس از بازیابی (ویلسون، ۱۹۸۱)<sup>۲</sup>. در حقیقت رفتار اطلاعاتی کاربران به منظور پیدا کردن راه یا راه‌هایی برای تامین اطلاعات مورد نیازشان به منشاء و عامل اولیه‌ی خود که همان نیاز اطلاعاتی است بازمی‌گردد. اصطلاح «رفتار اطلاعاتی» اغلب در مواردی که مردم در جستجوی اطلاعات و استفاده از آن‌ها هستند، استفاده می‌شود (چاترjee، ۲۰۱۷)<sup>۳</sup>. رفتار اطلاعاتی کاربران علاوه بر اینکه دارای ریشه‌ی درونی است تا حدی تحت تاثیر محیط و پیرامون فرد نیز قرار گرفته و تحت تاثیر معرفت به دست آمده ذیل یک مسئله، منجر به واکنش‌های متفاوتی در افراد می‌شود. بررسی نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاعاتی کاربران، نیازمند بررسی فرآیند جستجو و بازیابی اطلاعات و به تبع آن نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات است تا نقش تفسیرهای معنایی و معرفتی متفاوت افراد در دریافت اطلاعات مفید برای آنها را روشن‌تر کند. از این رو، در مقاله‌ی حاضر سعی خواهد شد تا ضمن ارائه‌ی سیر تاریخی و تکاملی نظریه هرمنوتیک و مرور دیدگاه فلاسفه‌ی تاثیرگذار در این عرصه از جمله هایدگر و گادامر، نیم‌نگاهی به پژوهش‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز صورت گرفته و وضعیت‌سنجی شود. یکی از دغدغه‌های پژوهشی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کشف، استخراج و حل مسائل کیفی در این رشته است تا بر همین اساس بتوان با تاکید بیشتر بر ابعاد مختلف تسهیل‌کننده در جستجو و تامین نیازهای اطلاعاتی کاربران به راهکاری موثر جهت افزایش کارآمدی نظام‌های ذخیره و

<sup>۱</sup>Regan

<sup>۲</sup>Hjørland

<sup>۳</sup>Wilson

<sup>۴</sup>Chattrjee



بازیابی اطلاعات در همه‌ی رشته‌ها و گرایش‌ها رسید. این کار از یک سو منجر به ارتقاء سطح ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات از طریق بازنگری در نظام‌های نمایه‌سازی، اصطلاح‌نامه‌ها و تشکیل پایگاه داده خواهد شد و از سوی دیگر، به کاربر به عنوان یک مولفه مهم در شناسایی نیاز اطلاعاتی و تلاش در جهت تامین این نیاز که تاثیر مستقیم بر نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات دارد، مقاله‌ی حاضر ادعای ایجاد چارچوب تحلیلی از دیدگاه‌های هرمنوتیکی عمیق و پیچیده‌ی فلاسفه‌ی به نام از جمله هایدگر و گادامر را ندارد بلکه سعی خواهد کرد در پرتو کلیات دیدگاه این فلاسفه، مفاهیم و خروجی‌های مهم در علم اطلاعات و دانش‌شناسی را که از یک سو با رفتار اطلاعاتی کاربران در ارتباط است و از سوی دیگر با نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات تفسیر کند. بر همین اساس در ادامه، به منظور فراهم نمودن نگاه توصیفی و تحلیلی از موارد مذکور در چارچوب فلسفی هرمنوتیکی، نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات با تفسیر هرمنوتیکی مورد بررسی قرار گرفته است.

### روش‌شناختی پژوهش کیفی علم اطلاعات و دانش‌شناسی

علم با پژوهش توسعه می‌یابد و روش‌های علمی مورد استفاده پژوهشگران، نقش بسزایی در اثربخشی نتایج و اعتباردهی به یافته‌های آن‌ها دارد. هر پژوهش، تابعی از اهداف، پرسش‌ها، و مهمتر از همه، مسئله‌ای است که ذهن پژوهشگر با آن رو به رو است. در واقع، روشی که پژوهشگر برای پژوهش خود انتخاب می‌کند باید بتواند پاسخی هر چه بهتر و دقیق‌تر برای مسئله مورد بررسی ارائه کند در روش‌شناسی پژوهش‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی هم باید به پاسخ این پرسش بپردازیم که "پژوهشگران علم اطلاعات و دانش‌شناسی، چه روش یا روش‌هایی را برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود به کار می‌گیرند؟" (مختارپور و حیدری، ۱۳۹۶). در رویکرد کمی پژوهش، به شناخت و توصیف پدیده‌هایی می‌پردازیم که در دنیای فیزیکی، واقعی، مستقل از ذهن، و قابل تجربه کردن هستند. در مقابل پژوهش کیفی برای درک و شناخت پدیده‌ای از انواع جهات و زاویه‌ها و درگیر شدن در فرآیندی شبیه متبلور کردن پدیده مورد بررسی است. پژوهش کیفی در علوم اجتماعی و انسانی در سه دهه آخر قرن بیستم کاربرد روزافزونی در حوزه‌های مختلف تخصصی و دانشگاهی پیدا کرده است. پژوهش کیفی از این جهت که برای فهم پدیده‌های انسانی فقط به رویکرد کمی متکی شویم را کافی نمی‌داند (شکاری و حسین پور، ۱۳۹۰، ص ۶۵). مرور تاریخی روند پژوهش کیفی در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی حاکی از ضعف پژوهش کیفی بوده است و نشان می‌دهد رویکرد اثبات‌گرایی همچنان در پژوهش‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی حرف اول را می‌زند (مختاری، ۱۳۹۵). این امر از سوی صاحب‌نظران و منابع متعدد اشاره شده که اکثر پژوهش‌هایی که در کشور ما در علم اطلاعات و دانش‌شناسی انجام شده، پژوهش‌های کمی است (حسن زاده، ۱۳۸۸). با وجود اهمیتی که رویکردهای پژوهش کیفی در غنی‌سازی مبانی نظری و حل مسائل حرفه‌ای در علوم دارند، اما مرور مقالات منتشر شده در این رشته به ویژه در مجلات تخصصی داخل کشور، نشان می‌دهد که رویکردهای پژوهش کمی بر کیفی غلبه کرده‌اند. و چون وابستگی و رابطه بین اطلاعات و دیگر متغیرهای گوناگون وجود دارد، لذا نمی‌توانیم یک رویکرد را بر دیگری در اولویت قرار دهیم. بررسی روند تاریخی نشان می‌دهد که توجه به پژوهش کیفی و توجیه آن در



عرصه علم اطلاعات و دانش‌شناسی به ویژه در دهه ۱۹۹۰ رفته رفته قوت می‌گیرد. تنوپر<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) بیان می‌کند که یکی از دلایل گرایش به رویکردهای کمی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، توجه پژوهشگران به نظام‌های اطلاعات و نه کاربران انسانی، به منزله استفاده کننده اصلی این نظام‌ها می‌داند. این امر نقطه‌ی ثقل مورد توجه در مقاله‌ی حاضر است که توجه به ارتقاء و بازنگری در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات مستلزم روی آوردن به مطالعات کمی است اما اگر کاربران انسانی، رفتار اطلاعاتی آنها و تامین یا عدم تامین نیازهای اطلاعاتی آنها مورد نظر باشد و به عنوان یک مسئله نگریسته شود که در پی دست یافتن به راه حلی برای برون رفت از آن مسئله باشیم، ناگزیر باید به سمت مطالعات کیفی و پژوهش‌هایی از این دست حرکت کرد. همانطور که سیانگو<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، اشاره کرده است از آنجا که علم اطلاعات و دانش‌شناسی پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته است، به همین جهت هنوز جوان و نوپا است و در حال پایه ریزی مبانی پژوهشی خود است. اهمیت این رشته، رفته رفته که جامعه به اطلاعات بیشتری وابسته می‌شود و با توسعه فناوری اطلاعات، بیشتر می‌شود. تحولات پیش رو، متخصصان اطلاع‌رسانی را ملزم به کشف و تبیین راه‌هایی مختلف برای رویارویی افراد جامعه اطلاعاتی با انواع اطلاعات می‌کند (مختاری، ۱۳۹۵). روند رو به رشد پژوهش‌های کیفی در این رشته خصوصا با استفاده از روش‌هایی همچون گردن‌دستی، تحلیل مضمون، پدیدارشناسی و غیره حائز اهمیت است، اما استفاده از روش هرمنوتیک یکی از خلاءهای پژوهشی این حوزه است که با تحلیل متن سروکار دارد و می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به افق‌های روشنی در این عرصه گردد.

### سیر تاریخی نظریه هرمنوتیک نزد اندیشمندان و فلاسفه‌ی برجسته

هرمنوتیک مطالعه تفسیر است و در تعدادی از رشته‌هایی که موضوع آنها نیازمند رویکردهای تفسیری است، نقش ایفا می‌کند. (گتورگ<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱) در طول تاریخ هرمنوتیک فیلسوفان متعددی در تغییرات فلسفه هرمنوتیک و روش‌شناختی آن نقش داشته‌اند و هر یک از این فیلسوفان نیز تعاریفی راجع به هرمنوتیک ارائه کرده‌اند؛ شلایر ماخر که به عنوان بنیان‌گذار هرمنوتیک مدرن شناخته شده، (پاترسون و هیگز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵) اولین کسی بود که هرمنوتیک را به عنوان هنر فهمیدن مطرح کرده است. از دیدگاه او، فهم خودبخودی نیست بلکه حاصل درک معنای چیزهای مهم و برجسته است. تعریف هرمنوتیکی شلایر ماخر به دو مولفه تاویل دستوری و تاویل روانشناسانه اشاره دارد. تاویل دستوری به بررسی رابطه‌ی گفتار با زبان می‌پردازد که با جنبه‌های زبانشناختی سروکار دارد. تاویل روانشناختی هم با بازآفرینی خلاقانه‌ای که فعالیت اجتماعی یا متن را بوجود آورده، سروکار دارد. به این صورت که شخص فکر می‌کند که در ذهن نویسنده به هنگام نگارش چه چیزی می‌گذشته است (پرهام نیا، ۱۳۹۸). از دیگر فیلسوفان حوزه هرمنوتیک، دکارت و کانت بوده‌اند که فهم را یکی از جنبه‌های وجودی انسان می‌پنداشتند. کانت از میان چهار قوه حس، تخیل، فهم و عقل، «فهم» را نقش اصلی در ساماندهی و تقوم

<sup>۱</sup>Tenopir

<sup>۲</sup>Cibangu

<sup>۳</sup>George

<sup>۴</sup>Paterson & Higgs



شناخت می‌دانست. منظور از فهم در نظریه کانت، فهمی است که در علوم طبیعی و دانش تجربی حاصل می‌شود. با این وجود کانت در نظریه خود، تفاوتی میان فهم در علوم طبیعی و علوم انسانی قائل نشده است. از این رو ديلتای به تمایز میان «تبيين» و «فهم» پرداخت و بر این باور بود جنس شناخت در علوم طبیعی متفاوت با علوم انسانی است و این گونه بیان کرده‌است که پژوهشگر علوم طبیعی هدفش توضیح و تبیین اشیاء و رویدادهای طبیعی است تا نشان دهد که هر عنصری چه ویژگی‌هایی دارد و میان عناصر چه رابطه‌ای وجود دارد. اما معرفت در علوم انسانی از جنس «فهم» است چون پژوهشگر علوم انسانی با توجه به سنخیتی که خود با موضوع پژوهش دارد، تلاش می‌کند پدیده‌های عالم انسانی را بفهمد. گادامر با نظریه ديلتای راجع به تفاوت معرفت در علوم طبیعی و علوم انسانی موافق است. ولی تحت تاثیر هایدگر معنای گسترده‌ای را برای فهم می‌داند که معرفت یکی از زیر شاخه‌های آن به شمار می‌آید (واعظی، ۱۳۹۱).

#### - هایدگر و دیدگاه خاص وی نسبت به «فهم و تعبیر»

هایدگر (۱۳۸۹) در کتاب هستی و زمان به تبیین دیدگاه خود از فهمیدن و تعبیر (تفسیر) پرداخته است. به عقیده هایدگر، ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین اشیاء، به خودی خود، خصوصیات و ویژگی‌هایشان در خودشان ثبت نشده بلکه برعکس، خصوصیات ابزارها در تاویل انضمامی آنها که در استفاده‌ی از آنها جلوه می‌کند، هست می‌شوند. به همین خاطر است که می‌توان گفت تمام این موارد قابل قیاس با متن هستند. به منظور فهم بهتر منظور هایدگر چنین مثال زده می‌شود که وقتی چیزی را به عنوان چکش، میز یا در می‌بینیم به معنای درک خصوصیات ظاهری آن با چشم سر نیست؛ بلکه بدین معناست که آن چیز را به عنوان چیزی خاص تعبیر و تاویل می‌کنیم. همین مثال را می‌توان در مورد متن به کار برد؛ بدین صورت که وقتی متنی را می‌خوانیم، اینطور نیست که ابتدا فقط یکسری علامت‌های سیاه بر کاغذی سفید را درک می‌کنیم و بعد از آن به تعبیر معنای آنها می‌پردازیم. بلکه معنای یک متن و در واقع خود متن، فقط در جریان خواندن هست می‌شود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲). در اینجا است که می‌توان به دیدگاه هایدگر در مورد حقیقت معنا رسید. معنا از نظر وی چیزی نیست که کسی بر چیزی تحمیل کند. بلکه آن چیزی که درک و فهم می‌شود، معنا نیست بلکه موجود است. بر اساس برداشت هایدگر از معنا فقط دازاین است که می‌تواند با معنا یا بی‌معنا باشد. پس راه فهمیدن اشیاء است که در بافتی تأویلی قرار گیرند. تأویل دارای مراحل سه‌گانه‌ای است که در هر کنش تأویلی به صورت همزمان فعال هستند که عبارتند از: «پیش داشت»، «پیش نگرش» و «پیش برداشت».

#### - گادامر و دیدگاه خاص وی نسبت به «فهم»

از آنجا که تفکرات هرمنوتیکی گادامر با دیدگاه هایدگر تناسب فراوانی دارند و کتاب حقیقت و روش گادامر را در حقیقت می‌توان شرح و تکمیل آموزه‌های هرمنوتیکی هستی و زمان هایدگر دانست، اما این نکته حائز اهمیت است که هرمنوتیک فلسفی گادامر با عقلانیت روش‌مند ناسازگار است. عدم روش‌مندی و پرهیز از ارائه‌ی روش و توجه به هستی‌شناسی فهم اصلی‌ترین و شاخص‌ترین معیار فلسفی شدن هرمنوتیک است. او فهم را یک واقعه می‌داند که برای ما اتفاق می‌افتد نه بنایی که اصولی و اساسی شکل گرفته است و به کمک روش می‌توان به آن رسید. گادامر با محوریت دادن به فهم به سنت هرمنوتیکی پیش از خود نزدیک شد (اسفندیاری و غلامی، ۱۳۹۴). گادامر با اینکه معانی متفاوتی را برای فهم قائل



می‌شد ولی به سه معنای مهم فهم اشاره می‌کند که عبارتند از: (۱) فهم به عنوان معرفت نظری، (۲) فهم به عنوان معرفت عملی و (۳) فهم به عنوان توافق.

گادامر برای فهم یک خصلت تاریخی قائل است و به این علت فهم حاصل می‌شود که مفسر و موضوع فهم، به رغم بیگانگی ظاهری و فاصله تاریخی به لحاظ درونی به نحوی با یکدیگر در ارتباط هستند (اسفندیاری و غلامی، ۱۳۹۴). نخستین معنای فهم، فهم به عنوان معرفت نظری است که فرآیند معرفتی یا دریافت عاقلانه است. که می‌توان از آن به فهم معرفت‌شناسانه یا فهم گزاره‌ای نیز نام برد. همانطور که قبلاً هم اشاره شد نظریه کانت محدود به فهم گزاره‌های مربوط به علوم طبیعی می‌شد. در مقابل دیلتای آن را به علوم طبیعی و انسانی تعمیم داده است. گادامر برای توضیح معنای فهم در علوم انسانی بیان می‌کند که آیا روش شناسی، همه آن چیزی است که به فهم ما استحکام و انسجام می‌بخشد؟ سپس معنای دوم فهم را بیان می‌کند. فهم به عنوان معرفت عملی هم مهارت داشتن در انجام کاری است. این معنا از فهم بیان می‌کند که هرگاه کسی چیزی را فهمید لزوماً راجع به آن معرفت خاصی کسب نکرده است بلکه می‌تواند یک مهارت عملی را به کار ببرد. گادامر در شکل‌گیری نظریه فهم عملی، تحت تاثیر هیدگر بوده است ولی پیش از آن ارسطو نیز در شکل‌گیری این نظریه موثر بوده است. معنای سوم فهم از نظر گادامر عبارت است از «تفاهم با دیگری» یا «توافق» (گادامر، ۱۹۸۰: ۱۸۰). در دو معنای اول به رابطه سوژه با ابژه می‌پردازد ولی در معنای سوم به رابطه سوژه با سوژه می‌پردازد. به عبارتی فهم در معنای توافق زمانی حاصل می‌شود که دو سوژه بر سر یک موضوعی به توافق برسند. (واعظی، ۱۳۹۱) گادامر اعتقاد دارد که دو طرف گفتگو براساس زبان محیطی به فهم متقابل می‌رسند و بر سر موضوعی با هم توافق می‌کنند. (فضلی، ۱۳۹۴) گادامر همچنین در نظریه هرمنوتیکی خود بر این عقیده استوار است که ما در مواجهه با متون به دنبال دستیابی به معنای سوم فهم هستیم در حالیکه نظریه هرمنوتیکی پیش از او بر این باور بود که ما به دنبال فهم معرفت‌شناسانه هستیم (پرهام نیا، ۱۳۹۸).

یکی از مباحث مهم و کلیدی در مقاله‌ی حاضر، بحث پیرامون چگونگی عملکرد نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات بر مبنای دیدگاه هرمنوتیکی است. در همین راستا و البته به شکل بسیار مختصر، ذیل دیدگاه «هایدگر» نسبت به «معنا و تعبیر» و گادامر نسبت به «فهم» می‌توان به تحلیل نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات و چگونگی عملکرد آنها پرداخت.

### نظام های ذخیره و بازیابی اطلاعات (نقش مهم هرمنوتیک در نظام های ذخیره و بازیابی اطلاعات)

«داده»، «اطلاعات» و «دانش»، مفاهیم نسبی هستند. داده‌ها خام و پالایش نشده، منفرد، مضبوط، رمزگذاری شده یا وارد شده متصور می‌شوند. ولی به نظر می‌رسد نیابستی آنها را خام، نامنظم، سازماندهی نشده و منفرد تلقی کرد، زیرا داده مبنایی برای تبیین یا فهم وضعیت یا هدفی را فراهم می‌آورد و به طور کلی دنیای نظام را نمایان می‌کند. داده‌ها وضعیت نظام را نمادسازی می‌کنند و حقایقی برای نظام هستند. اساساً داده‌ها از ابتدا برای نظام معنی دار هستند، در غیر این صورت بی‌استفاده خواهند بود. داده‌ها را از دنیای خارج به واسطه ادراک، براساس اهداف، نیازها و یا الزامات نظام به دست



می‌آوریم تا پاسخگوی پرسش‌ها و ابزاری برای نیل به نهایی‌ترین دیدگاه نظام اطلاعاتی باشند. داده در درون نظام اطلاعاتی چرخه حیات خود را دارد؛ داده‌ها در طی بعضی از پدیده‌ها در محیط یا در درون نظام تولید می‌شوند که مشاهده شده و ثبت می‌شوند و یا از طریق آزمایش‌ها و عملیات تولید می‌شوند. داده‌های بدست آمده چنان چه با ارزش باشند در اسناد یا پایگاه اطلاعاتی ذخیره می‌شوند، در غیر اینصورت محو و یا حذف می‌شوند. داده‌های ذخیره شده ارزیابی می‌شوند تا معین شود که آیا بایستی بیشتر پردازش شوند و به ذخیره سازی برگردند یا معدوم شوند. داده‌ها غالباً به صورت تصادفی ذخیره نمی‌شوند، بلکه بایستی در قالب مقولات و دسته بندی‌های مشخص ذخیره گردند. ممکن است قبل از تشخیص منطقه مورد علاقه و روندها، با تفسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند. سپس ممکن است دستکاری شوند و یا در یک چهارچوب معنادار، ترکیب شوند. وقتی داده‌ها به شکل معنی داری برای استفاده بهره‌گیران منتقل شدند، در واقع به اطلاعات تبدیل شده‌اند (داورپناه، ۱۳۹۱). در واقع اطلاعات، نتیجه پردازش داده‌ها تلقی می‌شود. اطلاعات تاحدودی دارای زمینه است و اشخاص می‌توانند براساس تطابق داشته‌های قبلی خود آن را درک و تعبیر کنند (حسن زاده، ۱۳۸۶، ص ۶). کاپورو در تعریف اطلاعات، از نگاه هرمنوتیکی - بلاغی، اینگونه بیان می‌کند که "اطلاعات" امری است زبانی و بین الذهانی که به فرآیند نقل و بازگویی چیزی برای کسی و نیز محتوای انتقالی راجع است (خندان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵). در مرتبه بعدی، دانش قرار دارد که تلفیق تفکر با اطلاعات است؛ و در واقع تفسیر فردی از اطلاعات بر پایه تجربیات، مهارت‌ها و توانمندی‌های شخصی است. آنچه در اینجا بسیار با اهمیت است توجه به این مسئله است که ارتباط بین داده، اطلاعات و دانش بازگشتی است و ملاک تمایز بین آن‌ها «تفسیر» است. اطلاعات ارائه شده در متون، در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات، برای مخاطب ممکن است مهم تشخیص داده شود و تبدیل به اطلاعات «مربوط» شود؛ و یا اینکه نامربوط باشد و به «داده» تبدیل شود. مخاطب اطلاعات بدست آمده را بر مبنای «پایگاه معرفتی» خود، می‌تواند تفسیر و تحلیل کند (داورپناه، ۱۳۹۱، ص ۱۵-۲۷). برای طراحان نظام‌های اطلاعاتی همواره نیازهای اطلاعاتی افراد و رفتارهای اطلاعاتی آنها مورد سوال بوده است (نوکاریزی و داورپناه، ۱۳۸۵). چرا که در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات به ذخیره سازی و بازیابی اطلاعاتی پرداخته می‌شود که با نیازهای کاربران مرتبط باشد (پرهام نیا، ۹۸).

همانطور که اولین گام در شروع هر کار پژوهشی، انتخاب مسئله و دقت در انجام این کار است، در فرآیند جستجو و بازیابی اطلاعات نیز اولین گام، سوال یا پرسش است. در همین رابطه نشاط (۱۳۹۰) بیان می‌کند که «پرسش برخاسته از موقعیت ذهنی کاربر و افق معنایی فعلی اوست.» توجه به این نکته حائز اهمیت است که وقتی پرسشی به زبان طبیعی مطرح می‌شود، نیاز به پردازش دارد تا پرسش را به درستی به زبان دستوری مورد نظر برگرداند. در صورتی که پرسش مورد نظر مطابق با زبان دستوری و بر اساس یک الگوریتم مشخص نوشته و خوانده شود، نظام بازیابی اطلاعات برای انجام دقیق آنچه پرسیده شده به قضاوت چندانی نیاز ندارد. در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات واژه یا مفهوم مورد پرسش با مدارک نمایه‌سازی شده مقایسه شده و مدارکی که بیشترین شباهت را با پرسش کاربر داشته باشند، بازیابی می‌شود. اما نکته مهم اینجا است که در نهایت، این کاربر است که بر اساس نظام ذهنی و معرفتی خود نسبت به آن





موضوع، مفهوم یا پرسش مطرح شده میزان ربط آنها را با نیاز خود مورد سنجش قرار میدهد. این امر حاکی از تاثیر فراوان تفسیر کاربر نسبت به اطلاعات دریافتی به منظور تامین یا عدم تامین نیاز اطلاعاتی تلقی می‌شود.

### - فرآیند هرمنوتیکی ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات با الهام از دیدگاه هایدگر و گادامر

هنگام راه‌اندازی یک پایگاه داده کتابشناختی، پراکندگی اطلاعات ما را مجبور می‌کند تا شرایط امکان بازیابی قطعات را ایجاد کنیم زیرا زمینه مشترک آنها به صورت ضمنی باقی می‌ماند. «جزئی‌سازی» راه ورود دیدگاه‌های مختلف تفسیری را امکان‌پذیر می‌سازد. این وضعیت را می‌توان با عباراتی شبیه به آنچه که مارتین هایدگر برای تحلیل ساختار فهم به کار برده است، توصیف کرد. همانطور که پیش از این اشاره شد، به تعبیر هایدگر سه مرحله وجود دارد تا تأویل صریح و روشن از یک چیز رخ بدهد و فهم در آنها در پس زمینه جای بگیرد. که این مراحل عبارتند از: ۱) پس زمینه مفهومی یا پیش‌داشت<sup>۱</sup> (Vorbegriff)؛ ۲) دیدگاه خاص یا پیش‌نگرش<sup>۲</sup> (Vorsicht)؛ ۳) اصطلاحات مربوطه یا پیش‌برداشت<sup>۳</sup> (Vorgriff)؛ ۴) در مرحله نخست، لازم است درک جامعی از کل موقعیت وجود داشته باشد. مثلاً در مورد برداشتن چکش و چکش زدن در این مرحله لازم است از کلیت کارگاه درک جامعی وجود داشته باشد که هایدگر این مرحله را «پیش‌داشت» نامگذاری می‌کند. پس بر اساس آنچه که گفته شد، در این مرحله پیش از اینکه هر شی خاصی آشکار شود لازم است که از کلیت فعالیت‌های مرتبط یک درک پس‌زمینه‌ای وجود داشته باشد. در مرحله‌ی دوم که «پیش‌نگرش» نامیده می‌شود از پیش، روشی مناسب برای آشکار شدن چیزها می‌بینیم. در حقیقت به دست آوردن درک کلی نسبت به موقعیت به معنای به دست آوردن درک خاص و روشن نسبت به آن چیز نیست که در مرحله‌ی دوم چنین درکی حاصل می‌شود. اما مرحله‌ی سوم که «پیش‌برداشت» نامیده می‌شود به این صورت است که از پیش راه و روش مناسب برای تأویل یک چیز را به لحاظ مفهومی درک می‌کنیم. کاپورو (۲۰۰۲) در همین زمینه و بر اساس نتایج بدست آمده از دیدگاه مارتین هایدگر در مقاله «هرمنوتیک و پدیدارشناسی اطلاعات»<sup>۴</sup> در نسبت میان این مراحل تأویلی با نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات به روابط متقابل میان پایگاه اطلاعاتی و کاربران اشاره دارد. سازنده یا ایجادکننده‌ی پایگاه اطلاعاتی باید از طریق پیش‌زمینه مفهومی، دانش را تعریف کند که این کار معمولاً از طریق یک طرح طبقه‌بندی «موضوع‌بندی» می‌شود. اصطلاحات این رشته در یک اصطلاحنامه عینی شده است. شرح کتابشناختی، چکیده، عبارات نمایه یا توصیف‌گرها و کدهای طبقه‌بندی جانشین‌های سندی هستند که می‌توان با در نظر گرفتن پیش‌فهم عینی شده (اصطلاحنامه، طرح طبقه‌بندی و غیره) یک جامعه از کاربر، جستجو کرد. هنگامی که پایگاه داده در سیستم پیاده‌سازی می‌شود، در یک طرف پیش‌فهم عینی شده و در طرف دیگر، مفسر یا پرسشگر قرار دارد. بر همین اساس، می‌توان فرآیند ذخیره‌سازی و بازیابی

<sup>۱</sup>the general conceptual background

<sup>۲</sup>Vorbegriff

<sup>۳</sup>the specific viewpoint

<sup>۴</sup>Vorsicht

<sup>۵</sup>the corresponding terminology

<sup>۶</sup>Vorgriff

<sup>۷</sup>Capurro

<sup>۸</sup>HERMENEUTICS AND THE PHENOMENON OF INFORMATION



اطلاعات را به صورت هرمنوتیکی به عنوان مفصل‌بندی رابطه‌ی بین «جهان‌گشودگی وجودی پرسشگر»<sup>۲</sup> «افق‌های متفاوت باز و اجتماعی مشترک او از پیش فهم»<sup>۳</sup> و «افق ثابت سیستم»<sup>۴</sup> در نظر گرفت.

نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات کار ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات را بنا بر نیازها و سوالات کاربران انجام می‌دهند. همانطور که پیش از این اشاره شده، فرآیند بازیابی اطلاعات به لحاظ ماهیتی به نوعی یک فرآیند هرمنوتیکی محسوب می‌شود و با سابقه و بستر زندگی کاربران، به عنوان جستجوگران این نظام‌ها، ارتباط دارد. این امر از سوی نشاط (۱۳۸۲) نیز با اشاره به اینکه فرآیند هرمنوتیکی بازیابی اطلاعات در ارتباط با پیشینه و بستر زندگی جستجوگر که انواع گوناگونی از تجلیات زبان‌شناختی معنادار را در قالب رفتار، آثار و متن عرضه می‌کند، تاکید شده است. از نظر گادامر فهم دارای خصلت تاریخی است و تنها زمانی حاصل می‌شود که مفسر و موضوع فهم با وجود بیگانگی ظاهری با یکدیگر ارتباط داشته باشند. گادامر قائل به جدایی فهم یا حقیقت با روش است و از این رو با روش‌مندی در مورد فهم مخالف است. او حتی عنوان کتاب خود «حقیقت و روش» را کنایه‌آمیز انتخاب کرده است. بر همین اساس از نظر گادامر روش‌های رایج در علوم کافی بوده و نیازی به ایجاد روش‌های جدید نیست بلکه آنچه اهمیت دارد تبیین چیزی است که در واقع فهم رخ می‌دهد. وی همچنین برای باورهای پیشین و پیش‌داوری‌ها در عمل فهم نقش مهمی قائل است. در حقیقت پیش‌داوری را شرط تحقق دانش دانسته و جدایی این دو از یکدیگر را دارای منشأ پوزیتیویستی می‌داند. از سوی دیگر از نظر گادامر انسان از زمینه‌های تاریخی، اجتماعی یا طبقاتی‌اش جدا نخواهد شد (اسفندیاری و غلامی، ۱۳۹۴). و این امر بر روی پیش‌داوری‌های وی تاثیر خواهد گذاشت. پیش از این نیز اشاره شد که گادامر دیدگاه خود را نسبت به فهم در قالب سه معنای متفاوت فهم نظری، فهم به مثابه معرفت عملی و فهم به معنای توافق تبیین می‌کند. از آنجا که در دو فهم مذکور روابط میان سوژه\_ ابژه مدنظر است اما فهم سوم یعنی توافق به جهت رابطه میان سوژه - سوژه برای گادامر از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجا که گادامر استفاده از روش تجربی یا پوزیتیویستی را در فهم مقولات انسانی و تاریخی نادرست می‌داند، جنس فهم در علوم انسانی را از سنخ «واقعیه» می‌داند و سعی دارد تا فهم را با به کارگیری روش دیالکتیکی مبتنی بر پرسش و پاسخ حاصل کند. اینجاست که فهم در معنای سوم خود از نظرگاه گادامر قوت گرفته و در فرآیند پرسش و پاسخ متقابل میان مفسر و اثر از یکدیگر، واقع فهم رخ می‌دهد. سنت هرمنوتیکی پیش از گادامر بر این باور است که خوانش متن به قصد فهم معرفت‌شناسی است اما در سیر معنایی مدنظر گادامر، در این سطح از فهم دو طرف به فهم متقابل می‌رسند و به اصطلاح با استفاده از زبان می‌توانند چنین توافقی را حاصل کنند. بدین ترتیب در مواجهه با متون، فهم متن است که از اهمیت برخوردار است. یکی از ویژگی‌های مهم فهم و تفسیر از جهان و حقیقت در نظرگاه گادامر توجه به مفهوم «بازی» است. در واقع، «فهم صحیح از حقیقت در علوم انسانی و تجربه‌ی هنری و زیبایی و نیز ماهیت تفسیر متن را به تلقی صحیح از مفهوم بازی گره می‌زند.» (اسفندیاری و غلامی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، چون تجربه ما از جهان «زبانی» است پس به اعتقاد گادامر باید فهم را «بازی زبانی» دانست. عنصر مهم دیگری که گادامر در فرآیند فهم

<sup>۲</sup>existential world-openness of the inquirer

<sup>۳</sup>his/her different open and socially shared horizons of pre-understanding

<sup>۴</sup>the fixed horizon of system



مطرح می‌کند جنبه‌ی کاربردی فهم است. این بدان معناست که فهم یک اثر بر اساس موقعیت مفسر، علایق و شرایط خاص او، انتظارات کنونی او و پیشینه و سابقه‌ی ذهنی او شکل می‌گیرد. همچنین تفاسیر مفسر بدون ارتباط با زمان حال نیست. همین شرایط در کنار هم است که سبب می‌شود یک متن در هر لحظه و بنا بر هر موقعیت به صورت جدید و متفاوتی فهم شود. با کنار هم گذاشتن همه‌ی شرایط مورد نظر برای تحقق فهم از نظرگاه گادامر، این نتیجه حاصل می‌شود که فهم در ارتباط متقابل میان مفسر و متن بر اساس پیش‌داوری‌ها، تاریخ‌مندی، علایق و شرایط خاص مفسر، زمینه‌های ذهنی و سوابق وی به صورت دیالکتیکی و بر اساس پرسش و پاسخ میان مفسر و اثر تا جایی ادامه می‌یابد که «مفسر احساس کند که معنای متن آشکار شده و به زبان درآمده است.» (واعظی، ۱۳۸۶). در علم اطلاعات و دانش‌شناسی با مفاهیم و مولفه‌هایی همچون اصطلاح‌نامه‌ها، نمایه‌سازی، بازیابی اطلاعات، جامعیت و مانعیت اطلاعات، ربط، رفتار اطلاعاتی، نیاز اطلاعاتی، و عبارت جستجو روبرو هستیم که از دو جهت قابل بررسی است. از یک جهت، نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات قرار دارد که در آن فرآیند بازیابی اطلاعات بنا بر پردازش زبان طبیعی سعی در به دست آوردن فهمی از عبارت جستجو و یافتن مرتبط‌ترین اطلاعات منطبق با نیاز کاربر دارد و برای این منظور بی‌نیاز از نظام‌های نمایه‌سازی، اصطلاح‌نامه‌ها و ایجاد سازوکاری جهت ربط اطلاعات بازیابی شده با نیاز اطلاعاتی کاربران نیست. اما از سوی دیگر، جستجوگری قرار دارد که بنا بر سابقه و بستر زندگی، فهم و تعبیری منطبق بر ذهنیات و تجلیات انسانی خود از نتایج بازیابی شده از سوی نظام‌های بازیابی اطلاعات دارد. از این رو، عامل اصلی ایجاد توافق و شکل‌گیری معنی در اینجا زبان است که دو طرف مقابل را به فهم متقابل در افق تامین یا عدم تامین نیاز اطلاعاتی کاربران بر مبنای تحلیل و بررسی رفتار اطلاعاتی آنها و سازوکارهای تعبیه شده در نظام‌های بازیابی اطلاعات می‌رساند. در حقیقت در اینجا بازی زبانی میان مفسر و متن بازیابی شده منجر به ایجاد فهم و حقیقت می‌شود. «مفسر محور بودن» در فرآیند بازیابی اطلاعات که منجر به فهمی نسبی در کاربر یا جستجوگر اطلاعات می‌شود. بارزترین ویژگی دیدگاه هرمنوتیکی گادامر «مفسر محور بودن» اوست که در حقیقت فهم متن را گرو فهم مفسر و جدا از مقصود مولف و ذهنیت او در زمان تالیف می‌پندارد که این فهم نیز تحت تاثیر عوامل گوناگونی است که پیش از آن ذکر شد.

در ادامه، سعی خواهد شد تا مطابق با چارچوب نظری شکل گرفته ذیل نسبت میان هرمنوتیک و نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات با عنایت به دو سویه بودن این فرآیند بر اساس نگاه سیستمی و فرآیندهای حاکم بر آن، و نگاه انسانی و جنبه‌ی بیرونی سیستم که شامل رفتار اطلاعاتی کاربران، نیاز اطلاعاتی آنها و تامین یا عدم تامین این نیاز بنا بر تفسیر متفاوت افراد می‌شود، مباحثی ارائه شود.

### پردازش زبان طبیعی و نسبت آن با نظریه هرمنوتیک

ان ال پی، زیرشاخه‌ای ترکیبی از زبان‌شناسی، علوم کامپیوتر و هوش مصنوعی است. که برای تجزیه و تحلیل خودکار و نمایش زبان انسان است. همچنین فناوری اصلی برای استخراج خودکار اطلاعات، موتورهای جستجو و ربات‌های گفتگو



است. (چانگ و دیگران، ۲۰۲۳) پردازش زبان طبیعی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی که در رابطه با نظریه‌های تفسیر و تاویل متن هستند در زمینه‌هایی از جمله نمایه سازی خودکار، استخراج خودکار اطلاعات یا خلاصه‌سازی خودکار، بازیابی اطلاعات، بازیابی اطلاعات بین زبانی (نظام بازیابی)، بازیابی اطلاعات موسیقیایی، رده بندی خودکار و سیستم‌های پرسش و پاسخ کاربرد دارد. پردازش زبان طبیعی عبارت است از استفاده از رایانه برای پردازش زبان گفتاری و نوشتاری. همچنین شاخه‌ای از هوش مصنوعی و برنامه‌نویسی در حوزه زبانشناسی است که هدف آن، این است که رایانه‌ها بتوانند زبان انسان را بفهمند و تحلیل کنند و زبان طبیعی تولید کنند. برخی از مهم ترین وظایف پردازش زبان طبیعی که با نام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات می‌توانند در ارتباط باشند عبارتند از:

- تحلیل گفتمان: تحلیل گفتمان یا تحلیل کلام اصطلاحی است که زبان نوشتاری و یا گفتاری را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. و از زیرشاخه‌های علم زبانشناسی به شمار می‌آید.
- زایش زبان طبیعی: اطلاعات را از پایگاه داده رایانه‌ای به زبانی که برای انسان قابل خواندن باشد، تبدیل می‌کند.
- فهم زبان طبیعی: تبدیل بخش‌هایی از متن به زبانی که بیشتر فرمال باشد، مثلاً در ساختار منطق متغیرها تا رایانه آسان‌تر بتواند از آن استفاده کند.
- ترجمه ماشینی: به واسطه ترجمه ماشینی، متنی از یک زبان طبیعی به زبان دیگر توسط کامپیوتر ترجمه می‌شود (خوشیان و میرزائیان، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹).

### نیاز اطلاعاتی کاربران و نسبت آن با نظریه‌ی هرمنوتیک

در حوزه‌ی موضوعی علم اطلاعات و دانش‌شناسی یکی از مباحث مهم، ضروری و حائز اهمیت عبارت است از «نیاز اطلاعاتی». تامین نیاز اطلاعاتی کاربران برای متخصصان این علم مولفه‌ای حیاتی محسوب می‌شود که به نحوی نظام ذخیره و بازیابی تمامی سیستم‌های اطلاعاتی، مراکز اطلاع‌رسانی و هر برنامه‌ی نرم‌افزاری یا فیزیکی که قرار است به کاربران ارائه خدمت کند تحت تاثیر نیاز اطلاعاتی کاربران تنظیم و عملیاتی می‌شوند. آنچه در دنیای کنونی در حال رخ دادن است، «شناسایی نیاز کاربران و ارائه‌ی خدمات مبتنی بر همین نیازها» به آنهاست. در همین راستا، نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات بر پایه‌ی الگوریتم‌های مورد نظر به نمایه‌سازی مدارک و موجودیت‌های اطلاعاتی پرداخته و پایگاه داده‌ی آنها شکل می‌گیرد. نیاز اطلاعاتی کاربران را باید از دو منظر مورد بررسی قرارداد: از یک جهت نسبت میان نیاز اطلاعاتی کاربران با فضای ذخیره و بازیابی سیستم‌های اطلاعاتی مورد نظر است و از سوی دیگر، نسبت میان نیاز اطلاعاتی کاربران و میزان رضایت از نتایج بازیابی شده است که ارتباط مستقیمی با نوع تفسیر و معرفت‌شناختی موجود در ذهن کاربر دارد. نیاز اطلاعاتی کاربران هنگام ورود به پایگاه‌های اطلاعاتی از یک سو در قالب پرسش وارد سیستم اطلاعاتی شده و ضمن پردازش به زبان طبیعی با زبان دستوری موجود در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات تطبیق داده شده و از سوی این نظام مورد قضاوت قرار می‌گیرد تا در صورت تطبیق این پرسش با مدارک موجود در پایگاه داده،



نزدیکترین مدارک با پرسش مطرح شده بازیابی شود. در جهتی دیگر، کاربری قرار گرفته که پرسش خود را در نظام ذخیره و بازیابی وارد کرده و بر اساس پیش فهم‌های خود باید به قضاوت از مفید بودن یا نبودن اطلاعات بازیابی شده بپردازد. در این میان آنچه بیش از دیگر مسائل اهمیت دارد، تفسیر ذهنی کاربر تحت تاثیر معرفت شناختی و ذهنی وی و پیش فهم‌های کاربر می‌باشد. پیش فهم کاربر، پیش فهم جامعه‌ی حرفه‌ای یا حوزه‌ی تخصصی تحقیق و فعالیت، و شبکه‌ای از روابط متقابل افراد و اشیاء در یک سیر سلسله‌مراتبی با هم مرتبط هستند. در حقیقت، "پیش فهم کاربر به پیش فهم جامعه‌ی حرفه‌ای یا حوزه‌ی تخصصی تحقیق برمی‌گردد که بخشی از روابط متقابل افراد و اشیاء و دغدغه‌هاست که در گشودگی و تناه‌اش بر خاسته از یک فتوح مشترک عالم‌مندی است" (خندان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰). به تعبیر محمد خندان به پیش فهم می‌توان یک نگاه وحدت بین (آنتولوژیک) داشت که همان فتوح عالم است، و نگاه کثرت بین (آنتیک) افق انتظارات جامعه‌ی استفاده کننده یا جامعه حرفه‌ای است. در صورتی که بر اساس موارد ذکر شده نتایج بازیابی شده متناسب با نیاز اطلاعاتی کاربر باشد، فرآیند مذکور مفید بوده و کاربر به نتیجه‌ی دلخواهش خواهد رسید که به اصطلاح «تامین نیاز اطلاعاتی کاربر» رخ داده است. و در صورتی که کاربر به نتایج مورد نظرش نرسیده باشد، داده‌ها مجدد به نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات بازگشته و فرآیند جستجو مجدد از سر گرفته خواهد شد.

### رفتار اطلاعاتی کاربران و نسبت آن نظریه‌ی هرمنوتیک

رفتار اطلاعاتی عبارت است از توانایی برای یافتن، گردآوری، سازماندهی و استفاده از اطلاعات. از آن‌جا که انسان جزئی اساسی در تعامل بازیابی اطلاعات است، فرآیند طراحی، توسعه و ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات نیز مستلزم آگاهی از نیازهای بشر و رفتارهای وی برای دستیابی به اطلاعات است. با توجه به اهمیت شناسایی و تحلیل رفتار اطلاعاتی انسان و از آن‌جا که ناتوانی در اندازه‌گیری آن در راه توسعه علمی رشته علم اطلاعات همانند یک مانع و محدودیت عمل می‌کند. نیاز به مقیاس سنجشی دقیق و مناسب ضروری است. مقیاس سنجش رفتار اطلاعاتی، یک ابزار اندازه‌گیری کمی است که توانایی فرد را در تشخیص نیاز اطلاعاتی، میزان موفقیت در کسب هدفمندانه اطلاعات، میزان کسب اطلاعات در تعامل با نظام‌های اطلاع‌رسانی دستی یا نظام‌های مبتنی بر رایانه (وب جهان گستر)، میزان اطلاع‌یابی فرد در مواجهه با اطلاعات، میزان اجتناب آگاهانه فرد در برخورد با اطلاعات و میزان استفاده او را از اطلاعات اندازه‌گیری کند. بیشتر محققان رفتار اطلاعاتی را شامل نیازهای اطلاعاتی، جستجو، مدیریت، ارائه و استفاده از اطلاعات در نظر می‌گیرند. بر اساس نظر ویلسون (۲۰۰۰)، رفتار اطلاعاتی، شامل ارتباط رو در رو با دیگران و نیز دریافت منفعلانه اطلاعات بدون قصد انجام کاری با اطلاعات خاص می‌شود، در حالیکه رفتار اطلاع‌یابی را جستجوی هدفمند اطلاعات به منظور ارضای هدفی خاص در جریان جستجو تعریف می‌کند (بیگدلی و دیگران، ۱۳۹۴) که ممکن است اطلاعات حاصل از نتایج جستجو، کاربری را از لحاظ رفع نیاز اطلاعاتی‌اش ارضا کند و برای کاربری دیگر مفید واقع نشود. کاربر سوالات و زمینه‌ی پیش فهم خود در قالب کلید واژه‌ها یا مفاهیم مورد جستجو را با یک سیستم اطلاعاتی تطبیق می‌دهد. به عقیده‌ی کاپورو "



دیالوگ بین کاربر و سیستم، صورتی خاص از دور هرمنوتیکی<sup>۴</sup> است. " (خندان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰) دور هرمنوتیکی در کتاب فلسفه اطلاعات و از دیدگاه همین فیلسوف، نوعی از فرآیند فهم است که در آن گزاره‌ها همچون پاسخ‌هایی به پرسش‌ها لحاظ شده‌اند. پرسش‌هایی که برخاسته از یک پیش فهم هستند؛ و پیش فهم، خود نتیجه‌ی پرسش‌هاست و به همین ترتیب این دور هرمنوتیکی ادامه پیدا می‌کند.

### نظریه کوانتومی اطلاعات و نسبت آن با نظریه هرمنوتیک

فیزیکدانان تا آخر سده نوزده میلادی بسیاری از پدیده‌های طبیعی را با فیزیک کلاسیک، توجیه می‌کردند. اما از اواخر این قرن، پدیده‌هایی بوجود آمدند که با نظریه کلاسیک قابل توجیه نبودند. که فیزیک نوین به توجیه این پدیده‌ها می‌پردازد. که نظریه‌های «نسبیت» و «کوانتوم»، مولفه‌های فیزیک نوین را تشکیل می‌دهند. در زمینه اطلاعات، نظریه‌های متفاوتی همچون نظریه اطلاعات یا ارتباطات شانون، نظریه معناشناختی اطلاعات، نظریه سیبرنتیکی و نظریه کوانتومی اطلاعات وجود دارد. در ادامه به نظریه کوانتومی اطلاعات و نقش آن در جریان‌های اطلاعاتی خواهیم پرداخت. در نظریه اطلاعات و نظریه درسک، مفهوم اطلاعات از دیدگاه مفعولی بررسی می‌شود و در علم اطلاعات ناشی از هرمنوتیک، تحلیل دامنه و معناشناختی از دیدگاه فاعلی، نگریسته می‌شود، بنابراین بر اساس ساختاری که اطلاعات قرار است با استفاده از آن تفسیر گردد، ماهیت و مفهوم آن متفاوت خواهد بود (پشوتنی زاده و کوکبی، ۱۳۹۰). دنیای کوانتوم و دنیای اطلاعات را می‌توان با قوانین فیزیک کوانتومی مقایسه کرد.

از جمله مفاهیم اساسی نظریه کوانتومی دوگانگی موجی / ذره ای است. و هرگاه قابل مشاهده باشند در حالت ذره‌ای و هرگاه قابل مشاهده نباشند، حالت موجی دارند. بنابراین ماده براساس وضعیتی که در آن قرار می‌گیرد، می‌تواند حالت ذره ای و یا موجی داشته باشد. این حالت موجی و ذره ای داشتن ماده را می‌توان به شناخت‌های ذهنی افراد تشبیه کرد که هیچ گاه ثابت نیستند و با افزایش تجربه و آگاهی و اطلاعات جدید تغییر می‌کنند. شباهت اصل دوگانگی ماده در نظریه کوانتوم را در محیط اطلاعاتی می‌توان اینگونه بیان کرد که اطلاعات نیز همانند ماده، دو حالت موج و ذره ای دارند. به این صورت که اطلاعات بالقوه نقش موجی و اطلاعات بالفعل نقش ذره‌ای دارند. اطلاعات پیرامون ما اطلاعات بالقوه هستند که ما وقتی با آگاهی با این اطلاعات مواجه می‌شویم، می‌توانیم آن‌ها را با اراده و متناسب با هدف خویش به اطلاعات بالفعل تبدیل کنیم (حری، ۱۳۸۷، ص ۵۹). در این عمل ممکن است اطلاعات بالفعل نادرستی ایجاد کنیم و یا حتی ممکن است افراد مختلف با دیدگاه‌های گوناگون از اطلاعات بالقوه واحد، تفسیر متفاوتی جهت ایجاد اطلاعات بالقوه نمایند (پشوتنی زاده و کوکبی، ۱۳۹۰). این نکته خود رابطه بین نظریه کوانتوم و نظریه اطلاعات را بیان می‌کند که در هر دو نظریه، مطابقت چارچوب شناختی دریافت کننده و برقراری ارتباط متناسب با چارچوب اسنادی گیرنده و فرستنده، شرط لازم شکل‌گیری ارتباط و جریان انتقال اطلاعات است (آخشیک، ۱۳۹۱).

<sup>۴</sup>Hermeneutic circle



## تحلیل عوامل دخیل در فهم متن بنا بر دیدگاه هرمنوتیکی

از نگاه معرفت‌شناختی و هرمنوتیکی عوامل چهارگانه‌ای در تفسیر متن دخیل هستند که عبارتند از: «مؤلف، خواننده، متن و زمینه تاریخی»<sup>۳۵</sup>. درک و فهم معنای مقصود مؤلف، هدف تفسیر و هدف نهایی فرآیند فهم متن قرار دارد و پیوندی معقول و منطقی میان معنای متن و محوریت قصد مؤلف برقرار است. علی‌رغم امکان خوانش متن به گونه مفسر محور و حتی دخالت ارادی در تعیین معنای متن بر محور خواست مفسر، همچنان لزوم توجه به قصد مؤلف به عنوان محور و غایت فرآیند فهم متن وجود دارد. (واعظی، ۱۳۹۰) جهان‌بینی و روانشناسی مؤلف و شرایط تاریخی و اجتماعی زمانه وی جهت اینکه مفسر، مقصود مؤلف را دریابد کمک می‌کند (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱). در برابر دیدگاهی که معنای متن را بر محور قصد مؤلف می‌داند، نگرشی وجود دارد که معنا را قائم به متن دانسته و خود متن را محور معنا قلمداد می‌کند (واعظی، ۱۳۹۰). همانطور که برخی از نظریه پردازان ادبی نیز بر این عقیده هستند که فقط باید به خود اثر پرداخت و قصد مؤلف و خوانش خواننده را ملاک فهم نمی‌پندارند. نظریه خواننده محوری نیز بیان می‌کند که آنچه را که خواننده از متن درمی‌یابد را باید ملاک فهم قرار داد. بر این اساس می‌توان دریافت که خواننده و مفسر سازنده معنا نیستند و تنها به متن، امکان فعلیت می‌بخشند. یعنی معنای پنهان و بالقوه متن به هنگام خواندن محقق می‌شود. نسبت میان متن<sup>۳۶</sup> و زمینه<sup>۳۷</sup> آن از مباحث مهم حوزه هرمنوتیک و نظریه تفسیری است. هر خواننده ای در یک زمینه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و معرفتی خاص قرار دارد بنابراین فهم او از متن تحت تاثیر هر یک از این زمینه‌ها می‌تواند قرار بگیرد. رویکرد هایی که خواننده محور هستند به دلیل اختلاف زمینه ای که با یکدیگر دارند، باعث تکثر معنایی و اختلاف و تفاوت فهم در یک متن می‌شوند. خواننده در وهله اول متن را به غیر کلماتی که در خود متن هستند، ترجمه می‌کند سپس خواننده کلمات را در زمینه ذهنی خودش قرار می‌دهد و می‌فهمد. پس صرف نظر از «زمینه» چیزی به نام «معنای متن» نه برای خود متن و نه خواننده و مؤلف وجود ندارد (واعظی، ۱۳۹۰).

مؤلفه‌ها	محورها
قصد مؤلف در تولید متن	مؤلف
مؤلف و تعیین بخشی به معنای لفظ	
وضع الفاظ متن و دلالت معنا	متن
زبان متن	
فهم پذیری متن	
مفسر و عمل تفسیر متن	مفسر
مفسر و استنتاج از متن	
مفسر، پیش دانسته‌ها و پیش داوری‌ها	
مفسر، علاقه‌ها و انتظاراتها	

<sup>۳۵</sup>Historical context

<sup>۳۶</sup>text

<sup>۳۷</sup>context



مفسر و دور هرمنوتیکی	
زمینه و سیاق	زمینه
تاریخ مندی فهم متن	

نمودار ۱: محورها و مولفه در فرآیند فهم و تفسیر (دهقانپور و دیگران، ۱۴۰۰)

عوامل موثر در فهم متن به نحوی با نظام‌های بازیابی اطلاعات و نیاز اطلاعاتی کاربر ارتباط دارد اما از آنجا که فلاسفه و صاحب‌نظران هر یک در تعبیر خود از فهم و دستیابی به حقیقت معتقد به رویکرد خاصی هستند، در اینجا نمی‌توان به نظرگاه واحدی رسید. به عنوان مثال، گادامر به عنوان یکی از مهم‌ترین فیلسوفان هرمنوتیکی، در تحلیل عوامل دخیل در فهم به عامل «مفسر» توجه دارد و مفسر محور بودن وی از آنجا ناشی می‌شود که وی نسبت به مراد و مقصود مولف و ذهنیت او در زمان تألیف ارزش و اعتباری قائل نیست و متن را به عنوان موجودی مستقل و جدا از مولف می‌پندارد که در ارتباط دیالکتیک میان مفسر و متن در نهایت به نقطه‌ی توافق رسیده و فهم حاصل می‌شود. هنگامی که کاربری بر مبنای نیاز اطلاعاتی مورد نظر خود دست به جستجو در یکی از این نظام‌ها می‌زند، نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات شروع به قضاوت در مورد مفهوم یا عبارت مورد نظر کاربر می‌کند و بر اساس تبدیل زبان طبیعی به زبان دستوری و قابل فهم برای نظام و به دنبال آن تطبیق عبارت جستجو با سیستم نمایه‌سازی، سند یا اسنادی بازیابی می‌شود که تحت عنوان نتایج جستجو برای جستجوگر به نمایش درمی‌آید. اما از سوی دیگر، جستجوگر یا کاربری قرار دارد که با توجه به نیاز اطلاعاتی خود دست به جستجو می‌زند و با نمایش نتایج بازیابی شده وی نیز شروع به قضاوت یا پیش‌داوری در مورد سند یا اسناد مورد نظر می‌کند. قضاوت، تفسیر یا فهم کاربر از متن یا متون نمایش داده شده علاوه بر اینکه تحت تاثیر پیشینه و سابقه‌ی ذهنی وی قرار دارد، بلکه زمینه‌ی تاریخی، سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی که این فرد از آن برمی‌آید نیز در فهم متن، تفسیر یا تعبیر وی موثر است. همچنین در اینجا زمان حال را نیز نباید از نظر دور داشت. همانطور که در سطور پیشین ذکر شد، دیدگاه‌های مختلفی نسبت به عوامل موثر در فهم متن دخیل هستند اما آنچه که در اینجا از اهمیت زیادی برخوردار است تحت الشعاع قرار گرفتن «معنا» است که در رویکرد خواننده محوری، مولف محوری، یا متن محوری و با در نظر گرفتن زمینه تاریخی به نحوی «معنا یا فهم» تبلور می‌یابد که گاه با تاکید به درک معنا با رویکرد خواننده-محوری یا مفسر محور، منجر به تکرر و تفاوت در معنای یک متن می‌شود و گاه معنا را قائم به متن دانسته و به این شکل بروز می‌یابد. در هر حال، در فرآیند جستجو و بازیابی اطلاعات با لحاظ دو سوبه نظام‌های اطلاعاتی و کاربران اطلاعات، شکل‌گیری «معنا» یا بهتر بگوییم «فهم و تعبیر» گاه به تعبیر سیستم از عبارت جستجو و عملیات تبدیل زبان طبیعی به زبان دستوری و قابل فهم برای ماشین خلاصه می‌شود و گاه با در نظر گرفتن جهت مقابل، یعنی کاربران اطلاعات، شکل‌گیری «معنا» وابسته به عوامل گوناگونی از جمله نوع برداشت و تفسیر خواننده یا مفسر، پیشینه یا زمینه‌ی تاریخی خواننده از متن و زمان حال خواهد بود. آنچه که در نظرگاه هرمنوتیکی گادامر قابل توجه است، مفسر محور بودن اوست که به تعبیر اکثریت صاحب‌نظران در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ حسن‌زاده (۱۳۸۶)، خندان (۱۳۸۸)، داورپناه (۱۳۹۱)، کاپورو (۲۰۰۰)، نیز، آنچه که منجر به تبدیل داده به اطلاعات و دانش در چرخه‌ی حیات داده می‌شود نوع تفسیری است که کاربر یا خواننده و یا به عبارتی همان مفسر از اطلاعات بدست آمده می‌کند. گاه این اطلاعات کارآمد بوده و در نظام





ذهنی و تجربیاتی کاربر تبدیل به دانش شده و کاربردی خواهد شد و گاه اطلاعات بازیابی شده از نظام بازیابی اطلاعات بنا بر تعبیر یا تفسیر کاربر مناسب نبوده و قادر نخواهد بود تا نیاز اطلاعاتی جستجوگر را تامین کند، از این رو در چرخه‌ی حیات داده و در نظام بازیابی اطلاعات تبدیل به داده خواهد شد تا مجدد در تقابل میان نظام و کاربر با میانجی‌گری زبان، نیاز اطلاعاتی تامین و کاربر نسبت به دریافت اطلاعات مورد نظرش اقناع شود.

### تفسیر هرمنوتیکی نیاز اطلاعاتی کاربران در جستجوی وب

یکی از مهمترین موفقیت‌های فضای وب که بسیار مورد توجه کاربران قرار گرفته و مبنای تامین نیازهای اطلاعاتی آنها قلمداد می‌شود، جستجوی وب است. در حال حاضر، نتایج به دست آمده از جستجوهای کاربران نشان می‌دهد که کمترین مقدار استفاده از «ان ال پی» را دارد. به عنوان مثال، موتور جستجوی گوگل مقدار کمی از تحلیل ریخت‌شناسی استفاده می‌کند. در کتاب «فرهنگ‌های دیجیتال: درک رسانه‌های جدید» در بخش مربوط به پردازش زبان طبیعی در خصوص نتایج بدست آمده از جستجو در فضای وب بر مبنای نیاز اطلاعاتی کاربران چنین آمده «به عنوان مثال، نتیجه‌ی جستجو برای کلمه «کامپیوتینگ» صفحاتی را در بردارد که عین این کلمه را ندارند، بلکه تنه‌های کلماتی مانند «کام - پیوتر» را دارند که از نظر ریخت‌شناسی مشابه هستند؛ یعنی کاربر صفحاتی را دریافت خواهد کرد که در غیر این صورت به آنها ارجاع داده نمی‌شد، که این کار سودمندی جستجو را افزایش می‌دهد.» (کریبر و مارتین، ۱۳۹۰، ص ۳۷۶-۳۷۷). مسلماً یکی از دلایل رجوع کاربران به فضای وب، خصوصاً استفاده از موتورهای جستجو، نیاز اطلاعاتی است که به دنبال تامین آن دست به جستجو می‌زنند. نتایج بدست آمده از اطلاعات بازیابی شده گاه متناسب با نیاز اطلاعاتی کاربران است و گاه این نیاز را تامین نکرده و به اصطلاح کاربر را به درخواست مورد نظرش نمی‌رساند. از این رو، باید خاطر نشان کرد که هر نوع جستجویی اغلب بنا بر مفاهیم و واژگان موجود در ذهن کاربر در فضای وب وارد شده و به دنبال آن نتایجی بازیابی می‌شود که این نتایج و درصد درستی یا نادرستی آن دستخوش عوامل گوناگونی است. برخی از این عوامل در سطور پیشین اشاره شد از جمله اینکه عدم استفاده موتورهای جستجو از «ان ال پی» سبب می‌شود دامنه‌ی نتایج بازیابی شده گسترده شود و همین گستردگی گاه می‌تواند به سود کاربر باشد و او را با ابعاد جدیدی از موضوع مورد نظرش آشنا کند و گاه می‌تواند نامطلوب باشد از این جهت که کاربر را دقیقاً به اصطلاح، مفهوم یا واژگان مورد نظرش نمی‌رساند. همچنین سیستم‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات اغلب بر مبنای نظامی خاص به نمایه‌سازی واژگان و مفاهیم می‌پردازند که با مفاهیم و واژگان مورد استفاده توسط کاربران متفاوت است. از آنجا که «ان ال پی» رشته‌ای از علم رایانه است که تولید برنامه‌ها یا سیستم‌های پردازش اطلاعات که می‌توانند زبان‌های انسان را پردازش کنند، اختصاص دارد (کریبر و مارتین، ۱۳۹۰، ص ۳۷۱). و همچنین به دلیل اینکه برخی از فلاسفه و نظریه‌پردازان فهم را یک رخداد می‌دانند که معنایش با تفسیر آن آشکار می‌شود و این رخداد نمی‌تواند نسبی باشد و به دنبال آن قرائت‌پذیری و تکثر معنای متن از طریق تفسیرهای متفاوت از یک متن است که اتفاق می‌افتد (دهقان‌پور و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۴۲). پس بنابراین، این نظام



تفسیری و تاویلی نسبت به مفاهیم در ذهن کاربران است که سبب می‌شود نسبت به نتایج بدست آمده از بازیابی اطلاعات احساسی مطلوب یا نامطلوب داشته باشند.





## خاتمه بحث

داده و اطلاعات ارکان اصلی تشکیل دهنده در نظام‌های ذخیره و بازیابی هستند. داده که اطلاعات خام است می‌تواند پس از پردازش، تبدیل به اطلاعات مفید برای کاربر شود. کاربران براساس نیازها و رفتار اطلاعاتی‌شان در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات دست به جستجوی وبی می‌زنند و اطلاعات تحت پردازش زبان طبیعی بازیابی می‌شوند. تفسیرهای متفاوتی از این اطلاعات بازیابی شده‌ی واحد، صورت می‌گیرد که ناشی از ارکان چهارگانه‌ی دخیل در فهم متن یعنی «مolf، خواننده، متن و زمینه تاریخی» است. در تفاسیر هرمنوتیکی فلاسفه نسبت به عوامل دخیل در فهم متن رویکردهای متفاوتی وجود دارد. گادامر به عنوان یکی از فیلسوفان برجسته در این حوزه، مفسر محور بوده و فهم حاصل شده از این طریق را حاصل دیالکتیک میان مفسر(خواننده) با اثر(متن) می‌داند که در نهایت در بازی زبانی به توافق رسیده و این پرسش و پاسخی تا جایی ادامه می‌یابد که معنا شکل بگیرد. مفسر محوری به جهت ایجاد تفاسیر و قرائت‌های مختلف از متن، سبب ایجاد نسبیّت در فهم می‌شود. از این رو با تطبیق بحث حاضر با فرآیند بازیابی اطلاعات میان نظام‌های اطلاعاتی و جستجوگران می‌توان گفت که کاربر براساس پیش فهم‌ها و تجربه‌های محیطی خویش، تفسیرهای متفاوتی می‌تواند داشته باشد که با رویکرد خواننده‌محور یا مفسر محور در چنین قالبی دست به تولید معنا می‌زند. در مقابل، رویکردهای دیگری<sup>۳۸</sup> نسبت به تفسیر اطلاعات بازیابی شده وجود دارد که معتقدند داده‌ها مستقل از دریافت کننده اطلاعات معنادار هستند که در حقیقت به رویکرد متن‌محور که تولید معنا را قائم به متن می‌داند، اشاره دارد. یکی دیگر از نتایج بدست آمده از این پژوهش توجه به این نکته مهم است که تفسیر کاربر از اطلاعات بازیابی شده به شناخت او و تفسیر نشانه مربوط می‌شود که توضیح می‌دهد اطلاعات ویژگی مربوط به شناخت گیرنده و تفسیر نشانه است نه مربوط به فرستنده. در حقیقت، این امر از سوی برخی فلاسفه نسبت به تفاسیر هرمنوتیکی آنها از وقایع، مفاهیم یا مسائل و دیگر صاحب‌نظران در علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز با تمرکز بر فرآیند بازیابی اطلاعات تاکید شده است.<sup>۳۹</sup> پیشینه و سابقه‌ی ذهنی مفسر (خواننده) و زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و زمان عوامل مهمی در نوع برداشت خواننده از متن یا اثر مolf است. تغییر در وضع معرفت فرد، متأثر از معرفت (شناخت ذهنی)، علائق و اهداف او در زمانی است که می‌خواهد تفسیر متن انجام دهد. در حقیقت یکی از مولفه‌های اصلی ایجاد فهم، پیش‌داوری‌ها بر اساس موارد مذکور است که این امر نه تنها در دیدگاه هرمنوتیکی فلاسفه‌ی برجسته‌ای همچون هایدگر و گادامر مشاهده شده، بلکه از سوی دیگر صاحب‌نظران<sup>۴۰</sup> نیز مطرح و در فرآیند بازیابی اطلاعات نیز در تطبیق یا عدم تطبیق نتایج بازیابی شده (بخوانید متن یا آثار) با نیاز اطلاعاتی کاربران تاثیرگذار است. بر همین اساس، می‌تواند ادعا کرد که بازیابی اطلاعات عملی هرمنوتیکی محسوب می‌شود. دیدگاه گادامر از فیلسوفان هرمنوتیکی نیز که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، برخلاف دیگر فیلسوفان که به دنبال پیدا کردن یک رویه عقلی واحد برای فهم بوده‌اند، به دنبال یافتن اوصاف مشترک برای تمام فهم‌هاست. او قائل به روش‌مندی فهم نبوده و معتقد است از طریق دیالکتیک میان مفسر(خواننده یا کاربر) و اثر(متن یا

<sup>۳۸</sup>Floridi, 2015

<sup>۳۹</sup>Buckland, 1991

<sup>۴۰</sup>Ingwersen (1992)



سند بازیابی شده) بازی زبانی آنقدر ادامه پیدا خواهد کرد تا مفسر از شکل‌گیری معنا یا حاصل شدن فهم اطمینان حاصل کند. فرآیند جستجو و بازیابی اطلاعات به عنوان یکی از فرآیندهای پژوهشی مهم در مسیر نگارش علمی ارتباط تنگاتنگی با تفسیر، تاویل و برداشت هرمنوتیکی کاربر بر مبنای چهار مقوله‌ی متن، مولف، خواننده و زمینه دارد. اما از آنجا که فرآیند مذکور به دنبال یافتن اوصاف مشترک تمامی پرسش‌های صورت گرفته از سوی کاربران و یافتن مرتبط‌ترین نتیجه با نیاز اطلاعاتی کاربر است، در دایره‌ی تفاسیر هرمنوتیکی با رویکرد مفسر‌محور جای می‌گیرد. در طی این فرآیند به هنگام جستجو در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات، واژگان مطابق با زبان طبیعی کاربر در نظام مذکور وارد و پردازش می‌شود. سپس در این نظام، متناسب با تفسیری که از دستور زبان طبیعی موجود در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات دارد، پرسش کاربر با مدارک نمایه‌سازی شده در پایگاه داده تطبیق داده شده و نتایج بازیابی می‌شوند. اینکه نتایج بازیابی شده متناسب با نیاز اطلاعاتی کاربر باشد یا نباشد، به نوع تفسیر و معرفت‌ذهنی و شناختی کاربر به حوزه و گرایش موضوعی مورد نظرش و جایگیری وی در زمان مناسب (با عنایت به زمان حال) بستگی دارد. چنانچه نیاز اطلاعاتی کاربر تامین شود، به این معنی است که جستجویی که بر اساس نیاز اطلاعاتی انجام شده، مطابق با نتایج بازیابی شده است و فرآیند تکمیل می‌شود. ولی چنانچه نیاز اطلاعاتی تامین نشده باشد، به این معناست که نتایج بازیابی شده، حکم اطلاعات غیرمفید را برای کاربر دارد و فرآیند باید مجدداً در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات از سر گرفته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- ✓ اسفندیاری، سیمین، و غلامی، پرستو. (۱۳۹۴). هرمنوتیک و فهم متن از نگاه گادامر و شهیدمطهری. پژوهش‌های مابعدالطبیعی (۴).
- ✓ آب نیکی، حسن. (۱۳۸۷). نقد ادبی. تابستان ۱۳۸۷. شماره ۲. ص ۳۹ تا ۶۲؛
- ✓ آخشیک، سمیه السادات. (۱۳۹۱). مجله مطالعات کتابداری و علم اطلاعات. ۹. ص ۳۷-۵۲؛
- ✓ بیگدلی، زاهد و رجبی، غلامرضا و نصیری، ماریا. (۱۳۹۴). فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی ۳ (۷۱)؛
- ✓ پرهام‌نیا، فرشاد. (۱۳۹۸). بازاندیشی هرمنوتیک در شکل‌گیری پژوهش‌های کیفی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی با تأکید بر دیدگاه گادامر مطالعات دانش‌شناسی. سال ششم، شماره ۲۰، پاییز ۹۸، ص ۱۲۳ تا ۱۴۴؛
- ✓ حرّی، عباس. (۱۳۸۷). درآمدی بر اطلاع‌شناسی. تهران: نشر کتابدار؛
- ✓ حسن‌زاده، محمد. (۱۳۸۶). مدیریت دانش؛ مفاهیم و زیرساخت‌ها. تهران: نشر کتابدار؛
- ✓ خندان، محمد. (۱۳۸۸). فلسفه‌ی اطلاعات در نظریه لوجیانو فلوریدی و رافائل کاپورو. تهران: چاپار؛ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛
- ✓ خوشیان، ناهید. میرزائیان، وحیدرضا. (۱۳۹۹). پرکاربردترین عملکردهای پردازش زبان طبیعی در حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. فصلنامه بازیابی دانش و نظام‌های معنایی ۷ (۲۳). ۱۱۷-۱۵۰؛
- ✓ داورپناه، محمدرضا. (۱۳۹۱). اطلاعات و جامعه. تهران: چاپار؛ دبیرش؛
- ✓ دهقان پور، جان محمد. عباسی، بابک و مهرداد. (۱۴۰۰). هرمنوتیک، فهم و تفسیر: بازخوانی تطبیقی در مبانی آرای مجتهد شبستری و گادامر. ۱ (۱۰۴). ص ۹-۳۰.
- ✓ ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۱). مارتین هایدگر و هرمنوتیک فلسفی. مجله کلام اسلامی (۴۵).
- ✓ فصلی، قاسم. (۱۳۹۴). ارتباط بین فهم و زبان در اندیشه ویگنشتاین و گادامر. دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی، ۹، ۱۴۱-۱۶۸؛
- ✓ کریر، گلن. و مارتین، رویستون. (۱۳۹۰). فرهنگ‌های دیجیتال: درک رسانه‌های جدید. ترجمه مرضیه وحدانی. تهران: انتشارات ساقی؛
- ✓ مختارپور، رضا. و حیدری، غلامرضا. (۱۳۹۶). روش‌شناسی پژوهش در علم اطلاعات و دانش‌شناسی: رویکرد کتاب‌شناختی. مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات (مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات)، ۲۸ (۲) (پیاپی ۱۱۰). ۶۱-۸۴؛
- ✓ مختاری، حیدر. (۱۳۹۵). مروری تاریخی بر پژوهش کیفی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی. مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات (مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات)، ۲۷ (۳)، ۱۲۷-۱۴۶؛



- ✓ نجفقلی نژاد، اعظم. حسن‌زاده، محمد. (۱۳۸۸). سنجش و ارزیابی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی: نظریه‌ها، روش‌ها، چاپ یکم، نشر کتابدار؛
  - ✓ نشاط، نرگس (۱۳۸۲). هرمنوتیک و بازیابی اطلاعات. اطلاع‌شناسی، ۱(۲)، ۳۳-۴۶؛
  - ✓ نشاط، نرگس (۱۳۸۸). تعامل پارادایم‌های پژوهشی در روش‌شناسی کتاب ماه کلیات (ویژه نامه پژوهش)، ۱۳(۳)، ۳۰؛
  - ✓ نشاط، نرگس (۱۳۹۰). ضرورت تفکر فرارشته‌ای در مطالعات علم اطلاعات. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۱(۲)، ۲۸-۲۸؛
  - ✓ نوکاری، محسن، و داورپناه، محمدرضا. (۱۳۸۵). تحلیل الگوهای رفتار اطلاع‌یابی. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۹(۲) (مسلسل ۳۴)، ۱۱۹-۱۵۲؛
  - ✓ واعظی، احمد. (۱۳۸۶). سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم؛
  - ✓ واعظی، احمد. (۱۳۹۰). نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۸۷؛
  - ✓ هایدگر، مارتین. (۱۳۹۸) هستی و زمان. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی؛
- 
- ✓ Capurro, Rafael (2000). HERMENEUTICS AND THE PHENOMENON OF INFORMATION. Philosophy and Technology Vol. 19, pp79-85. <http://www.capurro.de/ny86.htm>.
  - ✓ Chatterjee, Amitabha (2017). Information users. Elements of Information Organization and Dissemination. 47-71.
  - ✓ Floridi, Luciano (2015). Information: A very Short Introduction. Oxford University Press
  - ✓ Gadamer, Hans George. (1989), Truth and Method, Trans. J.Weinsheimer and D.G.Marshall. 2nd Revised Edition, New York: Seabury Press.
  - ✓ George, Theodore. (2021)."Hermeneutics", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Edward N. Zalta (ed.).
  - ✓ John B. Anderson; Rolf Johnsson (1996). Understanding Information Transmission. Ieee Press.
  - ✓ Northwestern University Press
  - ✓ Palmer, R. E. 1969. Hermeneutics: Interpretation Theory in
  - ✓ Palmer, R. E.(1969). Hermeneutics: Interpretation Theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger and Gadamer. Evanston: Northwestern University Press.
  - ✓ Paterson, M., & Higgs, J. (2005). Using hermeneutics as a qualitative research approach in professional practice. *The Qualitative Report*, 10(2), 339-357.
  - ✓ Regan, Paul. (2012). Hans-Georg Gadamer's philosophical hermeneutics: Concepts of reading, understanding and interpretation. University of central Lancashire.



- ✓ Wheeler, Michael. (2020). "Martin Heidegger", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*,  
<https://plato.stanford.edu/cgi-bin/encyclopedia/archinfo.cgi?entry=heidegger>
- ✓ Wilson, T.D. (1981). "On user studies and information needs". *Journal of Documentation*. 37 (1): 3–15.

